بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار مسئولان نظام، سفرای کشورهای اسلامی و میهمانان کنفرانس وحدت



در سالروز میلاد پیامبر اکرم و حضرت امام جعفر صادق (صلوات ا علیهما)(۱)

به گزارش روابط عمومی مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، متن سخنرانی به شرح زیر است :

بسم ا الرّحمن الرّحیم

و الحمد ربّ العالمین و الصّلاة و السّلام علی سیّدنا و نبیّنا ابیالقاسم المصطفی محمّد و علی آله الطّیّبین الطّاهرین المعصومین و صحبه المنتجبین و من تبعهم باِحسانٍ الی یوم الدّین.

خوشامد عرض میکنم به همهی حضّار محترم، به مسئولان محترم کشور، به میهمانان عزیز، به همهی حضّار گرامی که تشریف دارید. امروز عید بزرگی است، روز نورانی و مبارکی است، میلاد پیامبر اعظم (صلّی ا علیه و آله و سلّم) و ولادت مبارک حضرت امام صادق (علیه الصّلاة و السّلام) است.

درباره‌ی پیامبر اعظم حقیقتاً زبان بنده و امثال بنده قاصر است از بیان، و ذهن و دل بنده و امثال بنده قاصر است از فهم درباره‌ی شخصیّت والای آن بزرگوار؛ حقیقتاً این‌جور است. بنده امروز فقط یک کلمه از این کتاب قطور فضل پیامبر اعظم را مختصراً عرض میکنم و آن، این است که این خورشید تابان عالم هستی، به گردن همه‌ی آحاد بشریّت حق دارد؛ بنده این را میخواهم عرض بکنم. همه‌ی آحاد بشریّت، چه مؤمنین به این دین و چه غیر آنها، مدیون پیامبر اعظم و به معنای واقعی کلمه متعلّق دِین آن بزرگوار هستند؛ چرا؟ این حقّ عظیمی که این بزرگوار بر گردن بشریّت دارد چیست؟ آن ،این است که پیامبر اعظم نسخه‌ی درمان همه‌ی دردهای عمده‌ی بشریّت را به بشر عرضه کرد؛ این یک واقعیّت است. خدای متعال میفرماید که «کِتابٌ اَنزَلناهُ اِلَیکَ لِتُخرِجَ النّاسَ مِنَ الظُّلُماتِ اِلَی النّور»؛[(۲)]ظلمات چیست؟ ظلمات همه‌ی آن چیزهایی است که زندگی بشر را در طول تاریخ، تیره و تار کرده، تلخ کرده، زهرآلود کرده؛ اینها ظلمات است. جهل، ظلمت است؛ فقر، ظلمت است؛ ظلم، ظلمت است؛ تبعیض، ظلمت است؛ غرق شدن در شهوات، ظلمت است؛ مفاسد اخلاقی، آسیب‌های اجتماعی، همه‌ی اینها ظلماتند. اینها همه ظلمتهایی هستند که بشر در طول تاریخِ طولانیِ زندگیِ خود از اینها رنج دیده. بی‌ایمانی ظلمت است، بی‌هدفی ظلمت است؛ اینها دردهای عمیق بشر است.

پیامبر اعظم نسخه‌ی درمان این دردها را ــ هم نسخه‌ی معرفتی را، هم نسخه‌ی عملی را ــ به بشر عرضه کرد. اگر میخواهید از این دردها خلاص بشوید، علاجش اینها است. این شریعت پیغمبر و معارف قرآنی، علاج دردهای بشریّت است؛ این را پیغمبر اسلام به بشر عرضه کرده. لذا امیرالمؤمنین (علیه الصّلاة و السّلام) درباره‌ی پیغمبر میفرماید: طَبیبٌ دَوّارٌ بِطِبِّهِ قَد اَحکَمَ مَراهِمَهُ وَ اَحمیَ مَواسِمَه؛[(۳)]این پزشکِ ماهر حاذق، هم مرهمها را فراهم کرده ــ آن دارویی که روی زخم میگذارند که زخم بهبود پیدا کند ــ هم وسیله‌ی داغ کردن را؛ که در گذشته وقتی یک زخمی به وسیله‌ی مرهم خوب نمیشد، آن را داغ میکردند خوب میشد. هر دو را دارد: هم مرهم را، هم وسیله‌ی داغ کردن را؛ اینها را در قرآن به بشریّت عرضه کرده. اگر میخواهید خوب زندگی کنید، این‌جوری عمل کنید.

در منطق عقلای عالم، بالاتر از همه‌ی حقوقی که انسانها بر یکدیگر دارند، حقّ حیات است. وقتی بخواهند مبالغه کنند در اینکه فلانی حقّی به گردن من دارد، مثلاً میگویند: [این] آقا حقّ حیات به گردن من دارد. حقّ حیات یعنی چه؟ یعنی مثلاً شما در معرض غرق بودید، او نجاتتان داده؛ در معرض فروریختن آوار منزل بودید، او نجاتتان داده؛ یعنی این حیات مادّی را که داشت از دست شما گرفته میشد به شما برگرداندهٔ؛ این حقّ حیات است، این بالاترینِ حقوق است. وقتی که انسان در بین آحاد مردم نگاه میکند، مطالعه میکند، [میبیند] این را بالاترین حقوق میدانند، میگویند: حقّ حیات؛ ولی

خب این حیاتی که به ما برگردانده شد مگر چقدر ادامه خواهد داشت؟ هم محدود است، هم ناقص است، هم آسیب‌پذیر است؛ ممکن است فردای همان روز با سکته و با سرطان و با انواع و اقسام بیماری‌ها همین حیات از انسان گرفته بشود. خداوند متعال میفرماید که «یا اَیُّهَا الَّذینَ ءامَنُوا استَجیبوا لِلّهِ وَ لِلرَّسولِ اِذا دَعاکُم لِما یُحییکُم»؛(۴) حیات را پیغمبر به شما میدهد. این حیات، آن حیات نیست؛ این حیاتی است که هم سعادت دنیا را تأمین میکند، هم دل شما را آباد میکند، هم روح شما را روشن میکند، هم زندگی شما را زندگی شیرینی قرار میدهد، هم ادامه دارد. این حیات تمام‌شدنی نیست، آسیب‌پذیر نیست، ابدی است. این حیاتی که اسلام و دین و پیامبر به بشریّت میبخشد، اهمّیّتش هزاران برابر بیشتر از آن حیاتی است که فرض کنید ما را از زیر آوار بیرون کشیدند یا از غرق نجاتمان دادند. حقّ پیغمبر بر گردن بشریّت اینها است. این، حقّ پیغمبر است. ما در مقابل پیغمبر مدیونیم.

خب، یک عدّه‌ای این توفیق را پیدا نکرده‌اند که معرفت پیدا کنند به دین پیغمبر ــ غیر مسلمین ــ خب راه اداء دِین روی اینها بسته است؛ حالا [اینکه] خدای متعال با اینها چه کار میکند، محلّ بحث ما نیست ولی اینها نمیتوانند اداء دِین کنند، لکن مؤمنینِ به اسلام چرا، میتوانند اداء دِین کنند؛ میتوانند؛ راهش به اینها نشان داده شده: وَ جاهِدوا فِی اللَهِ حَقَّ جِهادِهِ هُوَ اجتَباکُم وَ ما جَعَلَ عَلَیکُم فِی الدّینِ مِن حَرَجٍ مِلَّةَ اَبیکُم اِبراهیمَ هُوَ سَمّاکُمُ المُسلِمینَ؛(۵) این «جهاد فی‌سبیل‌الله»، به خاطر سِلم در مقابل خدا بودن، اداء دِین است. اگر میخواهیم حقّ پیامبر را، این حقّ عظیم پیغمبر را جبران کنیم، راهش این است: جاهِدوا فِی اللَهِ حَقَّ جِهادِهِ؛ جهاد کامل. معنای جهاد صرفاً شمشیر و آرپی‌جی و مانند اینها نیست؛ جهاد در همه‌ی میدانها: جهاد در میدان علم، جهاد در میدان سیاست، جهاد در میدان معرفت، جهاد در میدان اخلاق، که ما خیلی به آن احتیاج داریم. همه‌ی ما به اخلاق احتیاج داریم، به علم احتیاج داریم؛ جهاد [کنیم]. میتوانیم جهاد کنیم؛ اگر این حکم الهی یعنی «جاهِدوا فِی اللَهِ حَقَّ جِهادِهِ» را امتثال کردیم، آن‌وقت میتوانیم بگوییم حق‌گزاری پیامبر اعظم تا حدّ توان ما انجام گرفته. ما باید در راه اسلام جهاد کنیم.

امروز دشمنی با اسلام از همیشه آشکارتر است؛ در گذشته هم دشمنی بوده است [امّا] امروز واضح است؛ که حالا یک نمونه‌ی جاهلانه‌ی آن، اهانت به قرآن کریم است که مشاهده میکنید علناً یک ابلهِ جاهلی انجام میدهد، یک دولتی [هم] حمایت میکند؛ این نشان‌دهنده‌ی آن است که مسئله همین مسئله‌ی در صحنه و اهانت به قرآن کریم نیست. اشاره‌ی من در این قضیّه، اصلاً به آن انسان نادان و جاهلی که این کار را میکند نیست؛ او برای اینکه مقاصد عناصر پشت صحنه را تأمین بکند، خودش را محکوم میکند به

شدیدترین مجازاتها، به اعدام؛ من کاری به او ندارم؛ بحث سر آن عناصر پشت صحنه است؛ آنهایی که طرّاحان این‌جور جنایتها و این‌جور کارهای نفرت‌انگیز هستند. اینها خیال میکنند با این‌جور حرکات میتوانند قرآن را تضعیف کنند؛ اشتباه میکنند؛ خودشان را خراب میکنند؛ چهره‌ی باطنی خودشان را ظاهر میکنند.

قرآن کتاب حکمت است، کتاب معرفت است، کتاب انسان‌سازی است؛ آن کسی که با قرآن دشمنی میکند، با معرفت دشمنی میکند، با حکمت دشمنی میکند، با انسان‌سازی دشمنی میکند. قرآن مخالف با ظلم است، قرآن تشویق‌کننده‌ی انسانها به مقابله‌ی با ظلم است: لا تَظلِمونَ وَ لا تُظلَمون،(۶) قرآن بیدارکننده‌ی مردم است؛ کسی که با قرآن دشمنی میکند، با بیداری انسانها مخالف است، با مبارزه‌ی با ظلم مخالف است. [با این کارها] خودشان را رسوا میکنند. قرآن روزبه‌روز روشن‌تر میشود؛ این چهره‌ی منوّر در دنیا روزبه‌روز دارد ظاهرتر میشود و خواهد شد، بیش از پیش.

قرآن البتّه برای قدرتهای فاسد تهدید محسوب میشود؛ همین‌طور که عرض کردیم، هم ظلم را محکوم میکند، هم انسانِ زیرِ ستم را ملامت میکند که چرا تن به ستم‌پذیری داده. این برای قدرتهای ظالم خطرناک است؛ بله، قرآن این خطر را برای آنها دارد، این تهدید را برای آنها دارد. این کسانی هم که حالا به بهانه‌ی آزادی بیان و این حرفهای تکراریِ دروغِ غلط این کارها را توجیه میکنند، پیش مردم دنیا آبروی خودشان را میبرند. آیا در این کشورهایی که اجازه داده میشود به قرآن اهانت بشود، اجازه میدهند به نمادهای صهیونیستی تعرّض بشود؟ چه جوری و با چه زبانی [بهتر از این] میتوان اثبات کرد که اینها تحت تأثیر سلطه‌ی صهیونیست‌های غاصب و ظالم و جنایت‌کار و غارتگر دنیا هستند؛ چه آنهایی که در آن سرزمین غصبی زندگی میکنند، چه آنهایی که در جاهای دیگر زندگی میکنند؟ خب، این حالا چند جمله [بود] راجع به نبیّ مکرّم اسلام.

تکیه‌ی این جلسه و این هفته بر روی وحدت بین مسلمین و اتّحاد بین مسلمین است. خب درباره‌ی اتّحاد بین مسلمین خیلی صحبت شده؛ ماها گفته‌ایم، دیگران گفته‌اند، همه گفته‌اند. من فقط یک نکته‌ی کوتاهی را در این زمینه میخواهم امروز مطرح کنم: دشمن اتّحاد کیست؟ روی این تکیه کنیم. کیست که اتّحاد مسلمین به او ضرر میزند؟ روی این فکر کنیم. دشمنان اتّحاد مسلمین آن کسانی هستند که اگر کشورهای اسلامی و دولتهای اسلامی با هم متحّد بشوند، آنها ضرر می‌بینند، نمیتوانند دست‌اندازی کنند، دست‌درازی کنند، غارتگری کنند، مشکل پیدا میکنند؛ [دشمنان اتّحاد مسلمین] آنها هستند. البتّه کشورهای اسلامی دایره‌ی وسیعی دارند؛ حالا من همین منطقه‌ی خودمان ــ غرب آسیا و شمال آفریقا ــ همین منطقه‌ی محدود را عرض میکنم. اگر کشورهای همین منطقه با هم متّحد باشند، کدام

قدرت بین‌المللی است که دیگر نمیتواند زورگویی بکند، نمیتواند دزدی بکند، نمیتواند در امور داخلی و خارجی کشورها دخالت بکند؟ آن قدرت کیست؟ آمریکا؛ معلوم است دیگر.

اگر کشورهایی مثل ایران، مثل عراق، مثل سوریه، مثل لبنان، مثل کشورهای حاشیه‌ی خلیج فارس، مثل عربستان، مثل مصر، مثل اردن، یک خطّ مشی واحدی را در مسائل اساسی و کلّی خودشان اتّخاذ کنند، قدرتهای زورگو نمیتوانند در امور داخلی اینها یا در سیاست خارجی اینها دخالت کنند؛ الان دخالت میکنند. الان آمریکا ضربه‌ی اقتصادی میزند، ضربه‌ی سیاسی میزند، نفت سوریه را میدزدند میبرند، داعشِ ظالمِ وحشی و خونخوار را، در اردوگاه‌های خودشان نگه میدارند، حفظ میکنند برای روزی که [اگر] باز به آن احتیاج داشته باشند، بیاورند درون میدان و به جان این و آن بیندازند؛ از این کارها دارند میکنند. در سیاست خارجیِ دولتهای منطقه دخالت میکنند که این کار را بکنید، این کار را نکنید؛ حتّی در بعضی از کشورها، در سیاستهای داخلی‌شان هم دخالت میکنند. اگر ما همه با هم متّحد باشیم و یک خطّ مشی را انتخاب کنیم، آمریکا نمیتواند این کارها را بکند، جرئت نمیکند وارد بشود. روی این مسئله [باید] فکر بشود؛ سران کشورها، سیاستمداران، نخبگان، صاحب‌نظران روی این مسئله فکر کنند، منافعش را بسنجند. مطمئنّاً هیچ کشوری مایل نیست که یک قدرت خارجی در مسائل او، در سیاست او، در خطّ مشی او امر و نهی کند و دخالت کند؛ معلوم است، امّا ناچار تن میدهند. چرا؟ چون تنهایند. اگر چنانچه دست در دست یکدیگر باشند، دولتها پشت به پشت یکدیگر بدهند، با هم باشند و همراه باشند، میتوانند در مقابل دخالت و فضولی و دست‌درازی قدرتهایی مثل آمریکا ممانعت کنند، مانع ایجاد کنند؛ میشود.

البتّه روشن است و ما بارها گفته‌ایم که هیچ کس را به جنگ و به عمل نظامی تشویق نمیکنیم، اجتناب هم میکنیم؛ امّا من میگویم با هم باشیم تا از جنگ‌افروزی آمریکا جلوگیری کنیم؛ آنها جنگ‌افروزی میکنند. این جنگهای منطقه تقریباً بدون استثنا عامل خارجی دارد؛ این اختلافات مرزی و امثال اینها نمیتواند به یک چنین درگیری‌هایی بینجامد که ما در این چند سال در این منطقه دیده‌ایم؛ تحریک کردند، وارد شدند، پول خرج کردند، اشرار را در مقابل مردم مظلومِ غیر نظامی به حرکت واداشتند. نخبگان کشورها، سیاستمداران کشورها، سران کشورها روی این مسئله واقعاً فکر کنند؛ [این] برای همه‌ی این کشورها مسئله‌ی مهمّی است، مسئله‌ی حیاتی‌ای است. هیچ کشوری از اتّحاد چیزی از دست نمیدهد [بلکه] چیزی به دست می‌آورد.

خب، مسئله‌ی رژیم صهیونیستی هم مسئله‌ی دیگری است؛ آن هم یکی از مسائل این منطقه است؛ حالا ما درباره‌ی آمریکا گفتیم. رژیم صهیونیستی لبریز از کینه و غیظ است؛ نه فقط نسبت به ما؛ حالا ما که

اهمّیّت نمیدهیم، نسبت به جمهوری اسلامی که خب معلوم و واضح است، امّا نسبت به کشورهای دیگر هم همین‌جور است. این‌جور نیست که رژیم صهیونیستی از کشورهای دُوروبَر خودش خرسند و خشنود باشد؛ نه، آنها از مصر هم کینه دارند، از سوریه هم کینه دارند، از عراق هم کینه دارند. چرا؟ [چون] هدف آنها «از نیل تا فرات بود»؛ خب نشده. این کشورها در برهه‌های مختلف به دلایل مختلف نگذاشتند؛ [لذا] اینها سرشار از کینه‌اند، سرشار از غیظند. البتّه قرآن میگوید: قُل موتوا بِغَیظِکُم؛(۷) بله، خشمگین باشید و از خشم بمیرید؛ و همین هم خواهد شد، دارند میمیرند. بعون‌الله این «قُل موتوا بِغَیظِکُم» در مورد رژیم صهیونیستی در حال تحقّق است. خب پس مسئله‌ی وحدت اینجا هم تأثیر مهم میگذارد.

فلسطین امروز، مسئله‌ی اوّل دنیای اسلام است. البتّه چند دهه است، مال خصوص امروز نیست؛ چند ده سال است که مسئله‌ی فلسطین، به معنای واقعی کلمه، مسئله‌ی اوّل دنیای اسلام است. یک ملّت را از خانه‌ی خودشان بیرون کرده‌اند، غصب کرده‌اند، تصرّف کرده‌اند؛ هزاران نفر از اینها را کشته‌اند و شکنجه کرده‌اند و زندان کرده‌اند و آواره کرده‌اند؛ این چیز کوچکی نیست. مسئله‌ی اوّل دنیای اسلام، مسئله‌ی فلسطین است.

نظر قطعی جمهوری اسلامی این است که دولتهایی که قمار عادّی‌سازی [روابط] با رژیم صهیونیستی را برای خودشان سرمشق و شیوه‌ی کار قرار میدهند، دارند اشتباه میکنند، ضرر خواهند کرد؛ باخت منتظر اینها است؛ به قول اروپایی‌ها دارند روی اسب بازنده شرط‌بندی میکنند. امروز وضع رژیم صهیونیستی وضعی نیست که مشوّق نزدیکی به او باشد؛ نباید این اشتباه را بکنند. رژیم غاصب، رفتنی است. امروز نهضت فلسطین از همیشه‌ی این هفتاد هشتاد سال سرحال‌تر است. مشاهده میکنید که امروز جوانان فلسطینی و نهضت فلسطینی، نهضت ضدّ غصب، ضدّ ظلم، ضدّ صهیونیسم از همیشه بانشاط‌تر، سرحال‌تر و آماده‌تر است و ان‌شاءالله این نهضت به نتیجه خواهد رسید و همان‌طور که امام بزرگوار (رضوان الله علیه) از رژیم غاصب به «سرطان» تعبیر کردند،(۸) حتماً این سرطان به فضل الهی به دست خود مردم فلسطین و نیروهای مقاومت در کلّ منطقه ریشه‌کن خواهد شد؛ ان‌شاءالله.

امیدواریم خداوند متعال به امّت اسلامی سربلندی عطا کند و شرافت و رفعت عنایت کند تا بتواند ان‌شاءالله از استعدادهای بی‌نظیر طبیعی و انسانی‌ای که برخوردار است بیشترین استفاده را بکند.

والسّلام علیکم و رحمة الله و برکاته

۱)در ابتدای این دیدار، حجّت‌الاسلام والمسلمین سیّدابراهیم رئیسی (رئیس‌جمهور) مطالبی بیان کرد.

۲)سوره‌ی ابراهیم، بخشی از آیه‌ی ۱؛ «... کتابی است که آن را به سوی تو فرود آوردیم تا مردم را به اذن پروردگارشان از تاریکی‌ها به سوی روشنایی بیرون آوری ...»

۳)نهج‌البلاغه، خطبه‌ی ۱۰۸

۴) سوره‌ی انفال، بخشی از آیه‌ی ۲۴؛ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! چون خدا و پیامبر، شما را به چیزی فراخواندند که به شما حیات می‌بخشد، آنان را اجابت کنید ...»

۵)سوره‌ی حج، بخشی از آیه‌ی ۷۸؛ «و در راه خدا چنان که حقّ جهاد [در راه] اوست جهاد کنید، اوست که شما را [برای خود] برگزیده و در دین بر شما سختی قرار نداده است. آیین پدرتان ابراهیم [نیز چنین بوده است]؛ او بود که قبلًا شما را مسلمان نامید ...»

۶)سوره‌ی بقره، بخشی از آیه‌ی ۲۷۹؛ «... نه ستم میکنید و نه ستم می‌بینید.»

۷)سوره‌ی آل‌عمران، بخشی از آیه‌ی ۱۱۹

۸)از جمله، صحیفه‌ی امام، ج ۱۵، ص ۵۱۹؛ سخنرانی در جمع اقشار مختلف مردم (۱۳۶۰/۱۱/۴)